

جامعه‌شناسی

در

لهستان

مدتی است که در محافل جامعه‌شناسی، از تولد شاخه‌ای جدید سخن می‌رود: «جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی». با اینکه پیشگامان آن هنوز در مراحل اولیه کار خویش از نظر استقرار حرفه‌ای این شاخه از جامعه‌شناسی هستند، با این حال نکاتی که توسط آنسان مطرح شده است، گشاینده این بحث است که جامعه‌شناسی تاجیه حد در چارچوب قالبهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشوری که در آنجا مراحل تکوینی خود را می‌پیماید، اسیر است. «رابرت فردریکز» (R. W. Friedrichs) در کتاب «جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی» که در سال ۱۹۷۲ در ایالات متحده آمریکا منتشر شد، به کرات بدو وضع و شرایط جامعه‌شناسی در کشورهای سوسیالیستی اشاره کرده و آنرا با سایر کشورهای که دارای نظامهای دیگر سیاسی هستند مقایسه می‌کند. توجه به این نکات ضرورت شناخت بیشتر گسترش نظری و تجربی جامعه‌شناسی را در این کشورها برای خوانندگان ایرانی مطرح می‌کند و از آنجا که این شماره از مجله به بحث پیرامون رابطه رشد ملی و پژوهش‌های اجتماعی اختصاص داده شده است، این مقاله می‌تواند تا حدودی وضع جامعه‌شناسی را در یکی از کشورهای سوسیالیستی (لهستان) نشان دهد.

* * *

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مقدمه

رساله جامع علوم انسانی

مسافرت اینجانب از طرف دانشگاه تهران در مردادماه سال ۲۵۳۵ به کشور لهستان بمنظور شرکت در «چهارمین کنگره جهانی جامعه‌شناسی روستایی» امکان‌آشنایی با مؤسسات تحقیقی در جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان لهستانی و سایر کشورهای اروپای شرقی را فراهم کرد، و انگیزه‌ای شد برای نوشتن این یادداشت.

نامه پژوهشکده، سال دوم
شماره دوم، تابستان ۲۵۳۷

مطالبی که در این گزارش آمده از دو منبع ناشی شده است : از یک سومشاهدات و بررسیهای شخصی از طریق بازدید از مؤسسات و تماس با جامعه‌شناسان ، و از سوی دیگر بررسی مدارک و اسنادی که در کشور لهستان و یا در خارج از آن (اروپای غربی و آمریکا) درباره جامعه‌شناسی لهستان نوشته شده است . سعی نویسنده همواره بر این بوده است که تا سرحد امکان از اظهار نظر شخصی و طبعاً ارزشی خودداری کند، و تصویری بی‌طرفانه از شرایط کنونی جامعه‌شناسی در لهستان به دست دهد ، تا شاید تدریجاً هر چند ابتدایی در این راه برداشته ، و یا دست کم زمینه‌های بحث و بررسی بیشتر را در این زمینه فراهم کرده باشد.

شرایط جامعه‌شناسی در لهستان را بدون توجه دقیق به تحولات تاریخی این کشور در گذشته (بویژه در نیمه اول قرن بیستم) ، و نیز ویژگیهای کنونی آن نمیتوان شناخت . هرچند که در این مقاله ، مجال ارائه بررسی بالنسبه جامعی از این ویژگیها نیست، اما ناگزیریم که مروری بسیار اجمالی و احتمالاً ناقص در این مورد داشته باشیم. لهستان از کشورهای است که تاریخی پر آشوب داشته است . شروع تاریخ مدون این کشور را باید از سال ۹۶۶ میلادی دانست. در طی قرون چهاردهم و شانزدهم میلادی از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود و موقعیت اقتصادی و جغرافیایی آن در اروپای مرکزی ، دستاویزی جهت حمله از سوی کشورهای دیگر بسوی آن گردید ، و در سالهای ۱۷۷۲ ، ۱۷۹۳ ، ۱۷۹۵ ، و ۱۹۳۹ میان کشورهای روسیه تزاری ، اتریش ، روسیه شوروی و آلمان نازی تقسیم گردید . در جنگ جهانی اول ارتشهای آلمان و اتریش به لهستان حمله کردند ، اما پس از خاتمه جنگ در ۲۵ نوامبر ۱۹۱۸ با انعقاد پیمان « ورسای » لهستان استقلال یافت . جنگ دوم جهانی با حمله نیروهای آلمان نازی در اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان آغاز شد و این کشور اولین منطقه‌ای بود که تسخیر شد . پس از خاتمه جنگ ، لهستان مجدداً استقلال خود را به دست آورد، و در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. قانون اساسی جدید لهستان در سال ۱۹۵۲ به تصویب پارلمان لهستان (Sejm) رسید . اداره این کشور در دست حزب حاکم ، یعنی : حزب کمونیست « است .

بر اساس آخرین اطلاعات ، کشور لهستان ۳۴/۷ میلیون نفر جمعیت دارد. که ۵۴٪ از این جمعیت در مناطق شهری سکونت دارد ، و با توجه به روند رو به افزایش شهرنشینی ، پیش‌بینی میشود که در سال ۱۹۸۵ این نسبت به ۶۳٪ افزایش یابد. بررسی شاخصهای اقتصادی و اجتماعی توسعه نشان میدهد که درآمد سرانه در این کشور در حدود ۲۹۱۰ دلار (آمریکا) است (سال ۱۹۷۷) . و با توجه به کاهش قابل ملاحظه میزان

لحظه تولد در حدود ۷۰ سال است (۱). لهستانها از نژاد اسلاو هستند، زبان آنها لهستانی است و بیرو فرقی مذهبی ارتدکس و پروتستان هستند. کشاورزی در اقتصاد لهستان اهمیت زیادی دارد، که پس از اصلاحات ارضی و بکارگیری بیش از پیش روشهای نوین کشت و استفاده از ماشین، ویژه از سالهای پس از جنگ دوم جهانی به این طرف گسترش زیادی یافته است. بر اساس برآوردهای وزارت کشاورزی لهستان، حدود ۷۵٪ از اراضی قابل کشت در این کشور در دست بهره برداری قرار دارد. در طی چند دهه گذشته توسعه صنعتی نیز مورد توجه بسیار قرار گرفته و شهرهایی چون «پوزنان» (Poznan)، «لودز» (Lodz)، و «ورشو» (Warszawa) از مراکز مهم صنعتی این کشور محسوب میشوند.

پیشینه مطالعات جامعه‌شناسی

عمانند بسیاری از کشورها، تاریخ مطالعات جامعه‌شناسی در لهستان را میتوان به دو دوره مجزا تقسیم کرد: دوره اندیشه‌ها و تفکرات اجتماعی، و دوره تدوین اندیشه‌های اجتماعی در چارچوب اصول و مبانی موضوعی جامعه‌شناسی و کاربرد روشهای خاص بررسی. موضوع بحث ما در این مقاله دوره دوم، یعنی دوره‌ای است که جامعه‌شناسی دارای هویت خاصی میگردد.

از زمانهای دور عملاً جامعه‌شناسی بی آنکه نام خاصی داشته باشد به عنوان بخشی از تاریخ اجتماعی لهستان به حساب می‌آمد (۲). تاریخ جامعه‌شناسی در لهستان با نام «لودویک کرتسی ویکي» (۱۸۵۸-۱۹۴۱) (L. Krzywicki) آغاز میشود (۳). از این نظر وی را پایه‌گذار جامعه‌شناسی در لهستان میدانند که کتاب «سرمایه»، اثر «مارکس» را به زبان لهستانی ترجمه کرد، و اولین بررسی تجربی را در مورد وضع و شرایط زندگی کارمندان و کارگران شهر ورشو به انجام رسانید. مطالعات اصلی او درباره انتقال اندیشه‌ها در زمان و مکان بود، که نظریات خود را در کتاب «اندیشه و زندگی»، که در سال ۱۸۸۸ منتشر کرد (به زبان لهستانی) مطرح ساخت. «کرتسی ویکي» در کتاب «جامعه‌ایتدایی و آمارهای حیاتی آن» که به سال ۱۹۳۶ در لندن منتشر شد، سعی کرد تا با استفاده از آمار، ثابت کند که درجه گستردگی قبایل اولیه، کاملاً زیر تأثیر شرایط زیستی و موجودیت آنها بوده است. «فلورین زنائیکی» (۱۸۸۲ - ۱۹۵۸) (F. Znaniecki)، کتاب مزبور را از این جهت مورد تحسین قرار داده است که «کرتسی ویکي» در این کتاب نه تنها به تجزیه و تحلیل فراگردهای اجتماعی بر اساس جریانهای فکری جاری

و خاصی - که در زمان او مطرح بوده است پرداخته - بلکه مسایل را از لحاظ تاریخی نیز مورد توجه قرار داده است . پس از جنگ اول جهانی « کرتسی ویکس » صاحب اولین کرسی جامعه‌شناسی در دانشکده حقوق ورشو گردید و سرپرستی مؤسسه اقتصاد اجتماعی را هم برعهده گرفت (۴) .

در همین مرحله باید از « برانیسلاو مالینوفسکی » (۱۸۸۴ - ۱۹۴۲) ، (B. Malinowski) یاد کرد که در شهر « کراکوی » (Cracow) به دنیا آمد . وی در سال ۱۹۰۸ از دانشگاه ورشو به دریافت درجه دکتری در ریاضیات نایل شد . او با مطالعه کتاب « شاخه زرین » نوشته مردم شناس انگلیسی « سر جیمس فریزر » به مردم شناسی علاقه مند شد ، و تصمیم گرفت که به این رشته موجودیت علمی بخشد . از این رو در سال ۱۹۱۰ به لندن رفت و در دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه لندن به تحصیل مردم شناسی پرداخت، و در سال ۱۹۱۳ مطالعه در جزایر « تروبریانده » گینه نو (در اقیانوس آرام) را آغاز کرد . « مالینوفسکی » مردم شناسی را در چارچوب یک رشته علمی خاص قرارداد و روشی را بنیاد گذاشت که بعدها « کارکردگرایی » (فونکسیونالیسم) نامیده شد (۵) . تأثیر جامعه‌شناسی آمریکا در لهستان را باید بر اثر انتشار آثار « فلورین زنانیکی » مؤلف کتاب معروف « دهقان لهستانی در اروپا و آمریکا » دانست (۳) . بعد از جنگ اول جهانی وی صاحب کرسی جامعه‌شناسی که به تازگی در دانشگاه « هرنان » ایجاد شده بود، گردید، و در این کتاب که با همکاری « ویلیام توماس » (W. Tomas) جامعه‌شناس آمریکایی تألیف کرده است ، مسئله تغییرات نگرشها و ارزشهای اجتماعی اجتماعاتی را که دستخوش تغییراتی شده بودند ، بویژه تغییرات شخصیتی و ساخت اجتماعی اجتماعات لهستانی را بعد از مهاجرت ؛ در رابطه با موتیبت و فعالیت، و منش افراد مورد بررسی قرارداد (۶) . این اثر او بررسیهای جامعه نگارانه در جوامع روستایی لهستان را رواج داد . زنانیکی « مؤسسه جامعه‌شناسی لهستان » را در سال ۱۹۲۱ تأسیس کرد ، « مجله جامعه‌شناسی » (Przeład Socjologiczny) را در سال ۱۹۳۰ انتشار داد ، و سرانجام در سال ۱۹۳۵ به آمریکا مهاجرت کرد و به تدریس در دانشگاه شیکاگو پرداخت (۷) .

« استفان چارنوفسکی » (S. Czarnowski) شاگرد « رندهوربت » (R. Hubert) ، و « مارسل موس » (M. Mauss) یکی از شاگردان مکتب « دورکیم » و از همکاران « سالنامه جامعه‌شناسی » فرانسه (Année Sociologique) در کتابی بنام « ستایش قهرمانان و شرایط اجتماعی آنها » ، که در سال ۱۹۱۹ منتشر شد ، کارکرد (فونکسیون) اجنای قهرمانان (Heros) را مورد بررسی قرارداد . به اعتقاد وی کارکرد اجتماعی قهرمانان آن بوده است که به عنوان سمبل‌های ارزشهای اجتماعی مورد توجه مردم عمل کنند، و به این ترتیب نگاهداری و تداوم گروه را مورد پشتیبانی قرار دهند . کتاب دیگر او که زیر

عنوان «جامعه و تمدن» پس از مرگش در سال ۱۹۳۹ انتشار یافت، به غیر از تجزیه و تحلیل غای روش شناختی، حاوی بخشهایی در زمینه تاریخ اجتماعی و قوم شناسی نیز بود.

جنگ دوم جهانی و اشغال لهستان توسط آلمان نازی سبب گردید که تقریباً اکثر فعالین آنها، نه تنها در زمینه جامعه شناسی، بلکه در تمام علوم اجتماعی متوقف گردد. دبیرستانها و دانشگاهها عملاً بسته شدند، تقریباً تمام صور آموزش و تحقیق ممنوع گردید، و بسیاری از جامعه شناسان از میان رفتند. «ویکتور پرونیکوفسکی» (W. Bronikowski)، مؤلف کتاب «روستای لهستانی بسوی ترقی» در یکی از اردوگاههای «آوشویتس» (Auschwitz) از میان رفت، و دو نفر از جامعه شناسان جوان و طراز اول لهستان یعنی «اوکینسکی» (W. Okinski)، و «ریش لینسکی» (S. Rychlinski) در سالهای ۱۹۴۱ و ۱۹۴۴ در ورشو اعدام شدند. نهایت اینکه در فاصله سالهای ۱۹۴۵-۱۹۳۹ بیش از ۲۸٪ از استادان دانشگاههای لهستان از میان رفتند (۲).

این دوره، که در تاریخ لهستان دوره ای پر آشوب بود، ستهای تحقیقی جامعه شناسی لهستان را، که در جریان شکوفایی و گسترش بود از میان برد. علاوه بر اینکه دروس جامعه شناسی از برنامهها حذف گردید، انتشار «مجله جامعه شناسی» هم که توسط «زنانیکی» آغاز شده بود متوقف شد (انتشار مجدد آن از سال ۱۹۶۴ آغاز شد). در همین مدت «استانیسلاو اوسوفسکی» (۱۹۶۳-۱۸۹۷، S. Ossowski) و همسرش (ماریا) یک گروه مخفی مطالعاتی تشکیل دادند. «اوسوفسکی» در دانشگاههای «لودز» و «ورشو» سمت استادی داشت و به بررسی پیرامون مسایل طبقات اجتماعی و ایدئولوژیهای سوسیالیستی میپرداخت. وی از شاگردان «چارنوفسکی» بود و در طول مدت اشغال لهستان توسط آلمان نازی کتابی درباره صورت جدید زندگی اجتماعی به صورت مخفی منتشر کرد، و مباحثی را در زمینه نقش ایدئولوژی در نظام استالینی مطرح کرد. در سالهای اولیه نپیل به استقلال مجدد لهستان، جامعه شناسی دوره رونق خود را آغاز کرد. جامعه شناسی در سال ۱۹۴۵ در شهر «لودز» تدریس گردید و کرسیهای جامعه شناسی در شهرهای «ورشو»، «پزنان»، و «کراکوی» تأسیس شد و متدرجاً جامعه شناسان لهستانی توجه خود را به مسایلی که جامعه جدید با آن مواجه بود معطوف کردند.

جامعه شناسی لهستان در سالهای ۴۹-۱۹۴۸ زیر نفوذ گرایشهای «استالینی» (Stalinism) قرار گرفت. افق بررسیها محدود شد، انتشار مجلهها موقوف گردید، و بسیاری از بررسیهای در دست انجام ناتمام ماند.

با اینکه دوره تجدید سازمان و نوسازی لهستان از سال ۱۹۴۵ آغاز شد و

شرایط باالنسبه قابل قبولی هم از نظر رشد جامعه شناسی فراهم گردید ، با این حال شرایط کشور در طول سالهای ۱۹۵۶ - ۱۹۵۰ ، محدودیتها و مشکلاتی را به طور موقتی در جامعه شناسی ایجاد کرد ، یعنی : میزان تحقیقات تجربی کاهش یافت و برخی از انواع آن به کلی از میان رفت . بسیاری از محققان به بررسیهای متکی به استفاده از کتابها و مدارك و اسناد دست دوم روی آوردند ، و به طور کلی انتشارات علمی حالت یکنواخت و تکراری به خود گرفت . با این حال این وقفه اولاً بطور کامل و در همه جا مطرح و خیلی هم طولانی نبود . از سوی دیگر در طی این مدت انتقاد از جامعه شناسی غربی ، و در برخی موارد از مطالعات مارکسیستی ادامه یافت ، و بحثهایی هم در گرفت ، هرچند که دامنه آن خیلی محدود بود (۲) . علاوه بر این برخی از مطالعات روستایی در «مؤسسه اقتصاد کشاورزی» و روش انجام گرفت . هرچند که هدف این مطالعات بیشتر با مسایل تشکیل واحدهای زراعی درآینده مرتبط بود ، با این حال اطلاعات مهمی جمع آوری گردید ، که بعدها در سایر بررسیها بکار گرفته شد .

تغییرات مهمی که در اکتبر ۱۹۵۶ در وضع سیاسی لهستان بوجود آمد آغازگر تولد مجددی در جامعه شناسی لهستان بود ، که از دو نظر باید به آن توجه کرد . اول اینکه در این هنگام مناهیم جامعه شناسی دنیای غرب با روش مارکسیستی بررسی ، تجزیه و تحلیل و تفسیر پدیده های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت . دوم اینکه بعد از جنگ دوم جهانی ، لهستان شاهد تغییرات مهمی بود که در آن از سوی به علت مهاجرت های گروهی مردم به کشورهای غربی و از سوی دیگر به علت صنعتی شدن در آن کشور اتفاق افتاده بود . با توجه به این نکات لهستان را میتوان کشوری دانست که هم در آن جریانهای مختلف علمی از طریق نلاتی با یکدیگر ، توانست به یک سنتز جدیدی برسد ، و هم آزمایشگاه بزرگی بود که در آن ، تجربیات غیر قابل تکرار و یگانه ای انجام شد .

مروزی در سیر تاریخی جامعه شناسی در لهستان نشان میدهد که جامعه شناسی روستایی در این کشور در مقایسه با سایر زمینه های جامعه شناسی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است . استقلال موضوعی این رشته از سال ۱۹۳۶ در لهستان آغاز میشود . در این سال « گرابسکی » (W. Grabski) « مؤسسه جامعه شناسی روستایی » را در شهر ورشو تأسیس کرد ، و مجله « جامعه شناسی روستایی » را انتشار داد . در این هنگام جامعه شناسی روستایی از رشته هایی نظیر تاریخ اجتماعی ، و سیاست کشاورزی جدا شد ، و آثار علمی قابل توجهی انتشار یافت . « بوگسلاو گالسکی » (B. Galeski) که از نامداران جامعه شناسی روستایی در لهستان است (۱۴) در مقاله ای زیر عنوان « جامعه شناسی

روستایی در لهستان: (۲) به این مسئله اشاره می‌کند که غالباً شروع مطالعات جامعه‌شناسی روستایی را به ایالات متحده آمریکا محدود می‌کنند. به اعتقاد او اگر فقط کلمه جامعه‌شناسی روستایی را ملاک بگیریم، این نظر درست است، ولی اثر به زمینه‌های مسئله توجه کنیم، این نظر صحت ندارد. با اینکه انتقال الگوهای نظری جامعه‌شناسی روستایی به اروپا پس از جنگ دوم جهانی صورت گرفت، لیکن سابقه این نوع مطالعات را مدت‌ها پیش از این باید جستجو کرد. حوزه این مطالعات به اعتقاد «نالسکی» در قلمرو «سایلی روستائیان» است. به هنگامی که ادبیات سیاسی و اجتماعی لهستان را مورد بررسی قرار دهیم به دوره‌ای برمیخوریم که مسئله ضرورت اصلاحات اساسی در نظام اجتماعی، و بویژه انقراض رژیم «سرواژه» مطرح شد، یعنی نیمه اول قرن نوزدهم.

گرانشهای کنونی

از مدتی قبل از جنگ دوم جهانی تا مدتی پیش، جامعه‌شناسی لهستان زیر نفوذ بسیار شدید و قاطع حزب کمونیست این کشور قرار داشت. از حدود ۱۰ سال پیش به این طرف، همگام با رونق گرفتن جنبش‌های آزادیخواهی، از میزان نفوذ قبلی حزب کمونیست قدری کاسته شده است و در این حال سعی جامعه‌شناسان لهستانی بر این بوده است که در عین وفاداری کامل به مبانی سیاسی جامعه، از نظریه‌ها و روش‌های نوین جامعه‌شناسی، و بویژه جامعه‌شناسی ایالات متحده آمریکا بهره‌گیری کنند. نمونه‌کاملی از این گروه جامعه‌شناسان «اوسوفسکی» است. او با اصول جامعه‌شناسی غربی آشناست، و در عین استفاده، آنرا همواره با نوعی نگرش انتقادی مورد بررسی قرار می‌دهد. وی برخی از مقاله‌های خود را در مجله‌های اروپایی و آمریکایی منتشر می‌کند. از سال ۱۹۵۶ به این طرف است، که در مقایسه با گذشته، محدودیت‌های دولتی در کار جامعه‌شناسان، کاهش می‌یابد، و فضای فکری آزادتری در محیط دانشگاهی لهستان بوجود می‌آید. این موقعیت به «اوسوفسکی» امکان داد که کتاب «ساخت طبقاتی در هشیاری اجتماعی» را در سال ۱۹۵۷ منتشر کند (ترجمه انگلیسی آن هم در سال ۱۹۶۳ منتشر شد). این کتاب که به مقدار زیادی با مطالعات انجام شده در ایالات متحده آمریکا تشابه دارد، سعی دارد این‌گونه بررسی‌ها را با نظریه‌های مارکسیستی آشتی دهد و اندیشه‌ای را توسعه دهد که توجیه‌کننده ویژگی‌های فراگرد تکوین قشربندی اجتماعی در جامعه‌های سرمایه‌داری و کمونیستی است.

در پاسخ این عقیده بالنسبه رایج در اروپای غربی، که جامعه‌شناسی لهستان در غالب موارد فاقد زمینه‌های نظری است (۲)، «وبرزیکسکی» (Z. Wierzbicki) اظهار

میدارد که هر چند از نظر نیل به قوالب نظری این عقیده تا حدودی صحیح است ، با این حال وقتی به بررسیهای انتقادی نگاه می‌کنیم ، و یا مسئله کاربرد مفاهیم نظری در اجرای طرحهای تحقیقی تجربی را مورد توجه قرار میدهیم ، به غنای قابل توجهی از نظر وجود نظریه‌های سازنده برخورد می‌کنیم .

لهستان کشوری است کاتولیک ، و کشاورزی در آن از نظر اقتصاد داخلی و خارجی اهمیت بسیار دارد . مسایل سیاسی آن همواره بنحو خاصی مطرح بوده است : سنگینی ایدئولوژی سیاسی و مسئله جدایی میان توده مردم و حزب ، که وظیفه جامعه‌شناسان در این میان پر کردن این فاصله است ، و فراهم آوردن شرایط لازم از نظر پیشرفت برنامه های اقتصادی - اجتماعی . تأثیرات این جهت گیری اصلی جامعه‌را در بانث تحقیقی کنونی این کشور مشاهده می‌کنیم .

بررسی موضوعی انواع مقاله‌هایی که در طی مدت ده سال (از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۲) در « مجله جامعه شناسی لهستان » به چاپ رسیده است (۸) ، نشان میدهد که صرف نظر از مسایل عمومی و کلی جامعه شناسی (مفاهیم ، تاریخچه ، روشهای بررسی) ، رشته‌هایی مانند ، جامعه‌شناسی کار و صنعت ، نگرشها و ارزشهای اجتماعی در مقابل اقدامات دولتی ، جامعه‌شناسی روستایی ، جامعه‌شناسی سیاسی ، و مسایل قشرها و طبقات اجتماعی مورد توجه بسیار است .

رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی خانواده ، جامعه شناسی هنر و ادبیات ، جامعه - شناسی آموزش و پرورش ، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی ، جامعه شناسی مذهب ، و جامعه‌شناسی حقوقی چندان مورد توجه نبوده است . به عنوان مثال در طول مدت ده سال فقط یک مقاله درباره جامعه‌شناسی مذهبی نوشته شده است ، و در زمینه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات اساساً شاهد مقاله و یا انتشار گزارش تحقیقی ، نیستیم .

در سالهای اخیر جامعه‌شناسی روستایی نقشی بس مهم در جامعه‌شناسی لهستان ایفا کرده است . « جولیان هاج‌فلد » (۱۹۶۶-۱۹۹۱) ، (J. Hochfeld) که در ابتدا در دانشگاه ورشو به تدریس جامعه‌شناسی سیاسی میپرداخت ، متدرجاً به جامعه‌شناسی روستایی گرایش پیدا کرد و تحقیقاتی را در « مؤسسه اقتصاد ارضی » ورشو آغاز کرد (۳) . زمینه‌هایی که بیشتر مورد بررسی هستند عبارتند از : مسئله رشد اقتصادی ، مسایل ناشی از کاربرد صنعت به منظور تغییر ساخت اجتماعی ، سازماندهی صورگوناگون مزرعه‌داری ، تغییرات فرهنگی در روستاها ، وضع و موقعیت گروههای اجتماعی گسترده و برخی از گروههای خاص نظیر جوانان و زنان . این مسایل و بویژه مسایل تطابق روستاییان با صنعت جدید و بنابر این انتقال آنها به گروههای نوین اجتماعی ، زمینه موضوعی قسمت

اعظم کوششهایی است که در حال حاضر توسط جامعه‌شناسان در لهستان انجام می‌شود (۳).
بررسی مسایل کارگران در قالب مطالعه و تهیه تکنیکاری درباره شرایط زندگی آنان، که از حدود سالهای قبل از شروع جنگ دوم جهانی آغاز شده بود، پس از جنگ ادامه یافت و هم‌اکنون نیز در مجموعه شرایط جمهوری لهستان ادامه دارد. به این بررسیها در سالهای اخیر ابعاد تازه‌ای هم اضافه شده است، که مسایل تصمیم‌گیری و ایجاد انگیزه‌های حرفه‌ای و اجتماعی را شامل می‌شود. در شرایطی که کارکنان در بخشهای مختلف اقتصاد جامعه (صنعت، کشاورزی و خدمات) مبدل به کارمند دولت شوند، و هر کس به خود حق بدهد که علی‌الاصول بر اساس نیازمندیهایش، از حداقل زندگی برخوردار شود، امکان ثروت اندوزی فراهم نباشد، افراد جامعه از حداقل تأمین اجتماعی برخوردار باشند، و در نهایت اعضای خانواده مورد حمایت دولت قرار گیرند، باید شرایطی فراهم کرد که انگیزه کارکرد بیشتر و باکیفیت بالاتر در جهت ارتقا بخشیدن به ساخت و سازمان جامعه در افراد ایجاد شود. گروهی که در این میان می‌توانند به دولت کمک کنند و احتمالاً نسخه بنویسند جامعه‌شناسان هستند. با توجه به این نکته است که درمی‌یابیم چرا بسیاری از صفحات مجلات علوم اجتماعی لهستان به بررسی‌های تجربی و نظری پیرامون ارزشها، نگرشها و انگیزه‌ها اختصاص داده شده است.

در زمینه جامعه‌شناسی انحرافات، از مسایلی که در طی دهسال گذشته اهمیت روزافزونی پیدا کرده است مسئله «الکلسم» می‌باشد، که متعاقب با ازدیاد مصرف مواد الکلی در لهستان مطرح شده است و توجه جامعه‌شناسان و متخصصان بهداشت عمومی را بخود جلب کرده است. هرچند که بررسی در این مسئله بسیار جدید است و هنوز نتیجه مشخصی که بتواند کاربرد عملی خاص در این مورد داشته باشد حاصل نشده است، با این حال این مسئله و سایر مسایل در ابعاد دیگری مطرح شده، و سبب گردیده است که بررسیهایی در مورد گذران اوقات فراغت گروههای خاص (جوانان و کارگران) که آسیب‌پذیری بیشتری داشته‌اند، صورت گیرد.

از گرایشهای تازه تر در سالهای اخیر تمایل به مطالعه در زمینه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و مسایل روشنفکران است که توسط جامعه‌شناسانی مانند «یان سزپانسکی» (J. Szezepanski) (۱۰)، و «ژوزف کالاسینسکی» (J. Calasinski) اهمیت پیدا کرده است. علاوه بر این، بررسیهایی که در زمینه جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، روش‌شناسی و مسایل اجتماعی در دست انجام است، امکان گسترش بیشتر این رشته‌ها را در سال‌های آینده احتمالاً فراهم خواهد کرد.

حوزه‌های علمی

طبیعی است که کلیه حوزه‌های علمی جامعه‌شناسی در لهستان رنگ و جلوه‌مار کسبیتی داشته باشد، و کوششهایی هم که در طی سالیان گذشته در جهت مارکسیستی کردن هر چه بیشتر دانشگاهها و مدارس به عمل آمده است علی‌الاصول نتیجه‌بخش بوده است.

در حال حاضر هفت دانشگاه دولتی در شهرهای «ورشو»، «اکراکوی»، «پوزنان»، «لودز»، «ورسلاو» (Wroclaw)، «لوبلین» (Lublin)، و «تورن» (Torun) وجود دارد و یک دانشگاه خصوصی کاتولیک در «لوبلین» است، که بنظر میرسد تنها دانشگاه خصوصی در دنیای کمونیسم باشد (۱۱). تدریس جامعه‌شناسی به همه این دانشگاهها راه یافته است. با اینکه دانشگاههای لهستان با ۱۶ کرسی جامعه‌شناسی، ۱۰ استاد و ۱۲۰ استادیاز و تعداد زیادی محقق همچنان از مؤسسات علمی مهم کشور محسوب میشوند (۲)، با این حال انجام بسیاری از تحقیقات اجتماعی در مؤسسه‌های جدید تحقیقی که حالت غیر دانشگاهی دارند، متمرکز شده است. در میان دانشگاههای لهستان، دانشگاه ورشو با دارا بودن سه کرسی جامعه‌شناسی در رده اول از اهمیت قرار دارد و بر از آن بترتیب دو کرسی در هر یک از دانشگاههای لودز و اکراکوی، یک کرسی در دانشگاه کاتولیک لوبلین و اخیراً هم یک کرسی در دانشگاه «پارتی» (Party University) ایجاد شده است.

«آکادمی علوم لهستان» که در سال ۱۹۵۲ در شهر ورشو تشکیل شد، در دو دهه اخیر نقش قابل توجهی در اشاعه جامعه‌شناسی داشته است. در سال ۱۹۵۶ در این آکادمی «مؤسسه فلسفه و جامعه‌شناسی» که از سال ۱۹۵۶ بوجود آمد، و «مؤسسه توسعه روستایی و کشاورزی» و «کمیته تحقیق در باره مناطق در حال صنعتی شدن» بررسیهای متعددی به انجام رسانیده‌اند و با در دست انجام دارند (۱۲).

سایر مؤسسه‌هایی که در حال حاضر در شهرهای مختلف لهستان تحقیقاتی را در زمینه‌های مختلف جامعه‌شناسی در دست انجام دارند عبارتند از:

در شهر ورشو:

- ۱ - دانشکده مرکزی برنامه‌ریزی و آمار
- ۲ - مؤسسه تحقیقات تعاونی
- ۳ - مؤسسه اقتصاد کشاورزی
- ۴ - مرکز مطالعات افکار عمومی رادیو لهستان
- ۵ - بخش روانشناسی و جامعه‌شناسی کار در مؤسسه اقتصاد
- ۶ - مدرسه عالی علوم اجتماعی

۷ - بخش جامعه شناسی از مؤسسه مرکزی تحقیقات علمی
۸ - مرکز تحقیقات درباره خانواده - معاصر در شورای مرکزی انجمن بهداشت
و تنظیم خانواده لهستان

در شهر پوزنان :

۱ - گروه قوم نگاری در دانشگاه آدام میخائیلوویچ (A. Michiewicz)
(University)

۲ - بخش جامعه نگاری در مؤسسه مطالعات شرقی

در شهر « کاتوویس » (Katowice) :

۱ - کمیسیون جامعه نگاری در « مؤسسه علمی سیلس »

۲ - گروه تحقیقات جامعه شناسی در « مؤسسه علمی سیلس »

در شهر لوبلین :

۱ - مؤسسه بین گروهی فلسفه و جامعه شناسی در دانشگاه « ماریا اسکلود

نسکا کوری » (M. Sklodowska-Curie University)

۲ - مؤسسه پزشکی کار و بهداشت روستایی

در شهر « کراکوی » :

- مؤسسه جامعه شناسی در دانشگاه « یاجی لون » (Jagiellonian University)

در شهر « لودز » :

۱ - مؤسسه جامعه شناسی در دانشگاه لودز

۲ - گروه قوم نگاری در دانشگاه لودز

در شهر « دوبله » : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- گروه فلسفه و جامعه شناسی در دانشکده علوم تربیتی

در شهر « رزسوف » (Rzeszow) :

- گروه علوم اجتماعی - تاریخی در دانشکده علوم تربیتی

در شهر « کوزالین » (Kozalin) :

گروه مدارك و اسناد علمی - فنی شهر « کوزالین »

ارائه تصویری از جامعه‌شناسی لهستان بدون اشاره‌ای هرچند مختصر به مجله‌های جامعه‌شناسی این کشور کامل نخواهد بود، چراکه مجله‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی بطور اخص نقش قابل ملاحظه‌ای در رشد و گسترش این رشته داشته‌اند.

برابر گزارش «یونسکو» در سال ۱۹۷۶ تعداد ۴۵ مجله علمی بطور مستمر در زمینه‌های مختلف علوم اجتماعی در این کشور منتشر میشود (۱۳). توزیع زمینه اصلی مقالاتی که در این مجله‌ها به چاپ میرسد نشان میدهد که بالاترین تعداد مربوط به مجله‌های علوم سیاسی و اقتصادی است (۱۴ مجله)، و پس از آن بترتیب مجله‌های جامعه‌شناسی (۹ مجله)، مردم‌شناسی (۷ مجله)، زبان‌شناسی (۴ مجله) و سایر زمینه‌ها قرار می‌گیرد. غالب این مجله‌ها خلاصه‌ای از مقالات خود را به یکی از زبانهای انگلیسی و یا فرانسه به چاپ می‌رسانند.

مهمترین مجله‌هایی که کاراساسی آنها انتشارمقانه در زمینه‌های مختلف جامعه‌شناسی است عبارتند از (۹):

- ۱ - «مجله جامعه‌شناسی» (Sociological Review) در سال ۱۹۳۰ توسط «زنانیکی» بنیاد نهاده شد و در سالهای ۴۷-۱۹۴۵ و نیز ۱۹۵۷ تجدید سازمان یافت.
 - ۲ - «مطالعات جامعه‌شناسی» (Sociological Studies) ارگان «جامعه‌شناسان لهستان» که از سال ۱۹۶۱ انتشار یافت.
 - ۳ - «مجله جامعه‌شناسی روستایی» (Annals of Rural Sociology) که در سال ۱۹۶۳ تجدید سازمان یافت.
 - ۴ - «بولتن جامعه‌شناسی لهستان» (Polish Sociological Bulletin) به عنوان ارگان «انجمن جامعه‌شناسی لهستان»، از سال ۱۹۶۳ به زبان انگلیسی انتشار می‌یابد.
 - ۵ - «تمدن و جامعه» (Civilization and Society) از سال ۱۹۵۷ به صورت فصل‌نامه از طرف آکادمی علوم لهستان بنیاد نهاده شد.
- به غیر از مجله‌های اختصاصاً جامعه‌شناسی به مهمترین مجله‌های مردم‌شناسی لهستان هم میتوان بشرح زیر اشاره کرد:
- ۱ - مجله «مردم» (Folk) که از سال ۱۸۹۵ انتشار خود را آغاز کرد.
 - ۲ - مجله «نوم‌نگاری لهستان» (Polish Ethnography) که از سال ۱۹۵۸ تأسیس شد.
 - ۳ - مجله «هنر مردم لهستان» (Polish Folk Art) که از سال ۱۹۴۷ انتشار آن آغاز شد.
 - ۴ - مجله «ادبیات مردم» (Folk Literature) از سال ۱۹۵۷ منتشر شد.

نتیجه

جامعه‌شناسی در لهستان در عین اینکه واجد ویژگی‌های خاص خود به علت سرگذشت تاریخی لهستان است، از بسیاری جهات با سایر کشورهای اروپای شرقی تشابه دارد. این ویژگیها در نگاه نخست در نقش جامعه‌شناسی خلاصه می‌شود، چراکه جامعه‌شناس وظیفه دارد: فاصله میان توده مردم و حزب را پر کند، از مبانی تفکر مارکسیستی در تجزیه و تحلیل مسائل استفاده کند، جامعه را در تمامیت خود چنانکه هست قبول کند، از بررسی‌هایی که در نظر مدیران جامعه تجملی مینماید بپرهیزد، و راه‌حلهایی جهت فراهم ساختن مقدمات اجرای برنامه‌های توسعه و یا تسهیل در اجرای آنها و بررسی عوارض و آثار هر کدام ارائه کند. بررسی‌های جامعه‌شناختی در این کشور در عین کاربرد روش‌های غربی پژوهش در علوم اجتماعی و در مواردی تقلید از آنها تاکنون انجام گرفته‌است و بخصوص در زمینه مسائل اقتصادی، سیاسی، کار و صنعت، و اجتماعات انسانی (شهری، روستایی) کارهای زیادی صورت گرفته است.

با اینکه در لهستان ایدئولوژی کمونیستی همواره حالت مسلطی داشته است و امکانات بررسی‌های آزاد اجتماعی در تمام زمینه‌ها عملاً محدود بوده است و نظریه‌های اجتماعی غالباً در چارچوب ایدئولوژی‌های مارکسیستی خلاصه می‌شده است، با این حال در طی تاریخ هر گاه که از نظارت دولتی قدری کاسته شده است بررسی‌های اجتماعی ابعاد نظری گسترده‌تری پیدا کرده‌اند. وابستگی جامعه‌شناسی به این قالب فکری پیش‌ساخته و عملاً دستوری، و اتکای آن بر ماتریالیسم تاریخی و سایر مبانی فلسفی - اجتماعی مارکسیسم، سبب آمیختگی زیاد فلسفه اجتماعی با جامعه‌شناسی شده است، که شواهد آن هم در بررسی متن کتابها و مقاله‌های جامعه‌شناسان مشاهده می‌شود و هم در ترکیب سازمانی واحدهای آموزشی و تحقیقی در دانشگاهها. در اکثر دانشگاههای لهستان فلسفه و جامعه‌شناسی در یک گروه آموزشی متمرکز شده است، هرچند که در سالهای اخیر گرایش به ایجاد گروه‌های آموزشی مستقل برای جامعه‌شناسی در دانشگاهها دیده می‌شود.

تاریخ پر آشوب لهستان سبب شده است که جامعه‌شناسی هم در بستر رشد خود در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های بسیار داشته باشد، در رابطه با شرایط و جو فکری و سیاسی زمان جهت‌گیری‌های خاص پیدا کند، و حتی بسیاری از جامعه‌شناسان خود را به علل مختلف (مهاجرت، اعدام) از دست بدهند. لهستان طی سالهای متعادی

زیر تسلط مستقیم و یا نفوذ کشورهای روسیه شوروی ، اتریش و آلمان قرار داشته است و از این نظر است که مشاهده می‌کنیم مسایل تکوین و اقتدار دولت ، وحدت ملی و مسایل مرتبط با آن ، مورد توجه جدی محققان اجتماعی این کشور بوده است .

همگام با گسترش جامعه‌شناسی در لهستان ، مکاتب جامعه‌شناسی انگلیس ، فرانسه ، و آمریکا در این کشور نفوذ بسیار کرد ، ولی جامعه‌شناسی آلمان چندان مورد توجه قرار نگرفت . هرچند که آشنایی جامعه‌شناسان لهستانی با جامعه‌شناسی آمریکا سبب رواج نسبی جامعه‌شناسی تجربی در این کشور گردید ، در عین حال بکارگیری جامعه‌شناسی در اجرای برنامه‌های متمرکز رشد اقتصادی و اجتماعی کشور از مدتها قبل به جامعه‌شناسی لهستان خصصتی تجربی بخشید ، که میتوان گفت گرایش به جامعه‌شناسی تجربی در مقایسه با سایر کشورهای اروپای شرقی در لهستان بیشتر و بنیادی‌تر بوده است .

نهایت اینکه هرچند جامعه‌شناس لهستانی بررسیهای نظری و تجربی خود را در چارچوب اصول موضوعه خاصی انجام میدهد ، در عین حال با توجه به نقشی که در جامعه از او انتظار میرود ، در مقایسه با کشورهای دیگری که در آنها قالب پیش‌ساخته‌ای برای تبعیت اندیشه وجود ندارد ، وابستگی بیشتری به زندگی جاری اجتماعی دارد و مرد نظر و عمل هر دو به‌شمار میرود .

زیرنویس‌ها

1 - Population Reference Bureau. World Population Data Sheet. Washington D.C. 1977.

2 - Galeski, Boguslaw. Rural Sociology in Poland. Warszawa : Polish Academy of Sciences, Institute of Philosophy and Sociology. 1976.

3 - Maus, Heinz. A Short History of Sociology. London: Routledge and Kegan Paul. 1971.

۴ - مطالعات این مؤسسه درباره عوامل مؤثر در ساخت و توسعه جامعه روستایی ، بعد از جنگ دوم جهانی توسط محققین « مؤسسه اقتصاد کشاورزی » ادامه پیدا کرد .

۵ - یکی از کتابهای « مالدینوفسکی » زیر عنوان « میل جنسی و فرونشانی آن در جوامع نامتمدن » (ترجمه معسن ثلاثی) توسط مؤسسه انتشارات امیرکبیر در سال ۲۵۳۵ در تهران منتشر شده است .

6 - Duncan, Mitchell G. (Edit.). A Dictionary of Sociology. London: Routledge and Kegan Paul. 1973.

7 - Cazeneuve, J. Victorof, D. La Sociologie. Paris: C.E.P.L. 1970.

8 - The Polish Sociological Association. Polish Sociology. « Selection of Papers from Polish Sociological Bulletin ». Poland. 1974.

XXIV. 1958.

۱۰ - وی در سال ۱۹۶۷ ریاست انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی را برعهده گرفت.

ر.ك : Sumpf, Joseph. Dictionnaire de la Sociologie. Paris: Larousse. 1973

۱۱ - جمعا ۷۴ مؤسسه آموزش عالی (دانشگاه ، كالج ، پلی تکنیک و غیره) در

کشور لهستان وجود دارد، و تعداد کل دانشجویان این مؤسسات در سال ۱۹۷۶ در حدود ۲۵ هزار نفر بوده است .

12 - Unesco. International Repertory of Sociological Research Centres. Paris: Unesco. 1964.

13 - Unesco. World List of Social Science Periodicals. 4th Ed. Paris: Unesco. 1976.

۱۴ - سه مقاله از «گالسکی» به زبان فارسی ترجمه شده است (از مترن ترجمه شده به زبان انگلیسی). این مقاله ها در دو کتاب به نامهای « مسایل جامعه‌شناسی روستایی» و « ساخت های اجتماعی جوامع روستایی» که مجموعه‌ای از مقالات نویسندگان مختلف است به چاپ رسیده است. (هر دو کتاب ترجمه : م. ازکیا ، م. مهاجر ایرانی ، و ع. نیک‌خلق. تهران : انتشارات ایران کتاب ، ۱۳۵۲ : ۲۵۲۵).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی